

## چکیده

**هدف:** برگسون در نظریات خود نوعی از زمان را متذکر می‌شود که ادغام پذیراست. یعنی گذشته در حال و حال در گذشته ادغام می‌شود که ادبیات و سینما ازین نقطه نظر برگسون سود بسیاری جسته‌اند و می‌توان از آن به رمان نو و زمان در سینمای مدرن و پست مدرن اشاره کرد. سینمای مدرن با ادغام این نظریه و با ادغام ذهنیت و عینیت همانطور که دیوید بردول از آن سخن گفته یاری جست که نوعی رفتن به خاطره و یاد در گذشته و برگشتن به حال و اکنون است و سینمای پست مدرن ازین نظریات و در جهت دستکاری زمان و به بازی گرفتن آن پرداخت که هدف این پایان نامه این است که این زوایا را روشن سازد.

**روش‌شناسی پژوهش:** تحلیل زمان در روایت و مباحث نظری و فکری آن در فیلم.

**یافته‌ها:** در سینمای مدرن زمان به صورتی پیچیده در رفت و آمد است که گویی زمان و مکان گم می‌شود و تماشاگر به نوعی سردرگم است؛ در حالی که در سینمای پست مدرن این سردرگمی نوعی پازل است که تماشاگر در ذهن خود این پازل را حل می‌کند و آن را به صورت دقیق کنار هم قرار می‌دهد.

**نتیجه‌گیری:** مبانی فلسفی و فکری و نظری زمان در روایت مدرن و پست مدرن که این تحقیق به آن رسیده را می‌توان به این صورت بیان کرد: زمان در سینما تحت تاثیر تغییرات زمان در ادبیات شده و به نوعی روایت در سینما خاستگاهش را از ادبیات گرفته حتی در دوران مدرن و پست مدرن. شیوه ی بدیع خلق اثر توسط ترتینو ایده‌ی اولیه اش از رمان گرفته شده، دیوانه وار بودن زمان در روایت مدرن از رمان نو و فیلم نامه نویسانی مانند مثل رب گریه و دوراس گرفته شده و زمان و روایت در پست مدرن هم تحت تاثیر ابتدا زمان مدرن اما نه به آن شدت بلکه به صورت جا به جایی زمان، و روایت هم همانطور که لیوتار ذکر کرد مرگ روایت کلان به وسیله تبدیل روایت کلان در داستان پست مدرن به چند خرده روایت.

**کلیدواژه‌ها:** مبانی فلسفی، مدرن، پست مدرن، زمان در روایت